

افضلیت و عصمت اهل بیت علیهم السلام در آیه و روایات

صلوات

علی ربانی گلپایگانی^۱

چکیده

آیات و روایات بسیاری بیان‌گر افضلیت و عصمت اهل‌بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که آیه شریفه صلوات (احزاب: ۵۶) و روایات مربوط به آن از آن جمله است. مفاد این آیه آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد درود و رحمت ویژه خداوند و فرشتگان است، و از مؤمنان خواسته شده است که با تاسی به خدا و فرشتگان، بر آن حضرت درود بفرستند. در روایات آمده است که درباره چگونگی درود فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن حضرت سؤال شد، و ایشان فرمود بگویند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد». از این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به دست می‌آید که آل پیامبر از حیث کمال و مرتبه وجودی از چنان جایگاهی برخوردارند که در صلوات ویژه الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله با آن حضرت اشتراک دارند. از سوی دیگر، در عصمت و برتری رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر دیگران، تردید و اختلافی وجود ندارد، بنابراین، آل محمد صلی الله علیه و آله نیز ویژگی مزبور را دارند. البته این اشتراک، با برتری پیامبر صلی الله علیه و آله حتی بر آل او منافات ندارد؛ چرا که صفات کمال تفاضل پذیر است، چنان‌که این قاعده در مورد پیامبران الهی نیز جاری است.

واژه‌های کلیدی: آیه صلوات، روایات صلوات، آل محمد صلی الله علیه و آله، اهل بیت، افضلیت، عصمت.

۱. استاد حوزه علمیه قم

افضلیت و عصمت، از مهم‌ترین شرایط امامت در بینش اسلامی است، و دلایل عقلی و نقلی بسیاری این مطلب را ثابت می‌کند، که در کتاب‌های کلامی بیان شده است (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶). ویژگی مزبور، جز در امامان اهل بیت: که شیعه امامیه به امامت آنان قائل است، یافت نمی‌شود (در این باره ر.ک: «الارشاد» شیخ مفید، «تلخیص الشافی» شیخ طوسی، «کشف الغمه» شیخ اربلی، «الصراط المستقیم» بیاضی). یکی از ادله نقلی این مطلب، آیه کریمه صلوات بر رسول خدا ﷺ و روایاتی است که در ارتباط با آن از پیامبر اکرم ۶ نقل شده است. خداوند در آیه صلوات فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب: ۵۶): خداوند و فرشتگان او بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند، ای مؤمنان بر او درود بفرستید، و بر او به گونه‌ای خاص سلام کنید (یا به گونه‌ای خاص تسلیم او باشید).

در روایات بسیاری آمده است که پس از نزول آیه کریمه مزبور، برخی از صحابه پیامبر ﷺ از چگونگی صلوات فرستادن بر آن حضرت سؤال کردند، پیامبر اکرم ۶ فرمودند: «بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد» خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست (منبع و مدرک روایات در ادامه نقل خواهد شد).

موضوع بحث در این نوشتار، تبیین دلالت آیه شریفه و روایات وارد در باره آن، بر افضلیت و عصمت آل محمد: است.

معنای لغوی آل

واژه «آل» در اصل، واژه «هل» بوده که مقلوب به آل شده است، یعنی حرف «ها» به همزه تبدیل شده، و چون تلفظ دو همزه دشوار است، یکی از آن دو به «الف» تبدیل شده است، دلیل این مطلب آن است که تصغیر کلمه «آل» «أهل» است، و حکم تصغیر آن است که هر کلمه‌ای را به اصلش باز می‌گرداند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۳۱؛ ابو هلال عسکری، ۱۴۳۳ق، ۸۴). برخی نیز «آل» را اصلی مستقل از «هل» دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۹، ۱: ۱۰۴).

در هر حال، کاربرد کلمه «آل» اخص از کلمه «هل» است؛ زیرا اولاً: کلمه آل در مورد غیر انسان به کار نمی‌رود، لذا گفته نمی‌شود: آل فلان زمان یا فلان مکان، ولی کلمه اهل در مورد غیر انسان نیز به کار می‌رود و گفته می‌شود: «هل فلان زمان و یا فلان مکان. و ثانیاً: کلمه «آل» در مورد افراد شاخص و شناخته شده به کار می‌رود، مثلاً

گفته می‌شود: آل الله، یا آل سلطان، یا آل ابراهیم، یا آل عمران، و گفته نمی‌شود: آل خیاط یا آل رجل (به صورت نکره) ولی کلمه «اهل» در موارد یاد شده نیز به کار می‌رود (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۳۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۳۲ق، ۷۰؛ ابو هلال عسکری، ۱۴۳۳ق، ۸۴: ۱۰۴).

بنابراین مقصود از آل محمد ﷺ افراد شاخص و برتر خاندان پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.

دلالت آیه صلوات بر عظمت مقام و شخصیت پیامبر ﷺ

بدون شک، آیه کریمه صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ، بر عظمت مقام و منزلت رسول اکرم ﷺ و شخصیت والا و بالای آن حضرت نزد خداوند متعال و فرشتگان مقرب الهی دلالت می‌کند. اصولاً درود فرستادن خداوند به فرد یا افرادی به معنای شمول رحمت خاص الهی نسبت به آنان است. این رحمت ویژه به دلیل شایستگی خاصی است که از حیث کمالات انسانی و ایمانی در پیشگاه خداوند دارند، چنان که خداوند از مؤمنان خواسته است که بسیار به یاد خدا باشند و در صبح و شام (پیوسته) خدا را تسبیح گویند، این کار این شایستگی را در آنان پدید می‌آورد که خدا و فرشتگان او بر آنان درود بفرستند تا آنان را از ظلمت‌ها به نور رهنمون گرداند؛ چرا که خداوند نسبت به مؤمنان رحمت ویژه دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ (احزاب: ۴۱-۴۳).

مفاد آیات یادشده این است که بسیار به یاد خدا بودن، یعنی در قلب و زبان، الوهیت و ربوبیت تکوینی و تشریعی خداوند را یاد نمودن، و تسبیح و تنزیه بسیار خداوند از صفات نقص و ناروا، انسان را شایسته آن می‌نماید که از رحمت ویژه الهی برخوردار شود.

در آیه‌ای دیگر پس از بیان سنت الهی در امتحان و ابتلاء مؤمنان، صابران را به بهره‌مندی از صلوات و رحمت و هدایت ویژه الهی بشارت داده است: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيَاءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالتَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ (بقره: ۱۵۵-۱۵۷)

از این آیات به دست می‌آید که ایمان راستین که با یاد و تسبیح زبانی، قلبی و عملی خدا و صبر و تسلیم در برابر امتحان‌های سخت الهی همراه است، انسان را

شایسته صلوات و رحمت خداوند می‌سازد. هرگاه این شاخص‌های کمال و تعالی انسان به درجه و مرتبه‌ای بالاتر و بالاتر برسد، شایستگی برخورداری از صلوات و رحمت الهی نیز بالاتر و بالاتر خواهد بود، که عالی‌ترین آن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دارد، و این همان صلوات و رحمتی است که در آیه مورد بحث (آیه ۵۶ سوره احزاب) مطرح شده است. همان‌گونه که مفسران اسلامی بیان کرده‌اند، این آیه شریفه در مقام مدح و تکریم و تعظیم ویژه الهی نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در این‌جا نمونه‌هایی از بیانات مفسران را در این‌باره بازگو می‌کنیم:

۱. امین الاسلام طبرسی: «از آن‌جا که خداوند سبحان این سوره را با ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کرده و در اثبات آن از تعظیم ایشان سخن به میان آورده است، آن را با تعظیمی بی‌مانند پایان داده و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ یعنی خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد درود و ثنایی زیبا قرار داده و با بزرگ‌ترین تعظیم گرمی داشته است، و فرشتگان الهی نیکوترین درود و ثنا را نثار پیامبر کرده، و با پاکیزه‌ترین دعا برایش دعا می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۹، ۷-۸: ۳۶۶).

۲. فخر الدین رازی: «هنگامی که خداوند به مؤمنان دستور داد تا برای وارد شدن به خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله از او اذن بگیرند (و هنگام وارد شدن، آداب لازم برای حرمت نگهداشتن از او را رعایت کنند) و به صورت همسرانش نگاه نکنند، بیان حرمت او را کامل کرد. توضیح آن که پیامبر صلی الله علیه و آله یا در حالت خلوت است یا در میان جماعت، آیه ﴿لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ﴾ (احزاب: ۵۳) مربوط به حرمت پیامبر در خلوت او است، و حالت جماعت او دو گونه است، یا در ملاً اعلی است یا در ملاً ادنی، او در ملاً اعلی از حرمت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا خداوند و فرشتگان الهی بر او درود می‌فرستند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ بر این اساس احترام او در ملاً ادنی نیز واجب است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾.

ایشان درباره فلسفه صلوات مؤمنان بر پیامبر صلی الله علیه و آله با این‌که خدا و فرشتگان بر او درود می‌فرستند-گفته است: «پیامبر صلی الله علیه و آله به صلوات مؤمنان نیاز ندارد، بلکه صلوات مؤمنان بر پیامبر از باب اظهار تعظیم آن حضرت است، همان‌گونه که خداوند، ذکر خود را بر مؤمنان واجب کرده است، در حالی که به آنان نیاز ندارد، و فلسفه آن اظهار تعظیم نسبت به خداوند است تا شایسته پاداش الهی شوند، صلوات فرستادن مؤمنان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آنان را

شایسته پاداش الهی می‌کند، چنان‌که از آن حضرت روایت شده که فرمود: «هر کس یک‌بار بر من صلوات بفرستد، خداوند ده بار او را از صلوات خود بهره‌مند می‌سازد» (فخر الدین رازی، بی‌تا، ۲۵: ۲۲۷-۲۲۸).

۳. ابن کثیر: مقصود این آیه آن است که خداوند بندگان خویش را از منزلت (ویژه) بنده و پیامبرش نزد خود و در ملاً اعلیٰ خبر داده است به این‌که نزد فرشتگان بر او درود می‌فرستد، و ملائکه نیز بر او درود می‌فرستند، سپس خداوند اهل عالم سفلی را به صلوات و سلام بر او فرمان داده است، تا میان ثناء بر او، دو عالم علوی و سفلی همراه شود» (ابن کثیر، ۱۴۱۶ق، ۵: ۴۹۵).

۴. آلوسی: «هنگامی که مؤمنان آگاه شدند که خدای عزوجل و فرشتگان او: بر پیامبر درود می‌فرستند، و نیز شنیدند که مأمور به صلوات فرستادن بر او می‌باشند، و دانستند که صلوات خدا و فرشتگان الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برترین صلوات و سلام است، نمی‌دانستند که چه صلوات و درودی از جانب آنان درخور مقام والای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که سید اولی الالباب است، می‌باشد، لذا از کیفیت آن از رسول خدا پرسیدند، و پیامبر آنان را به عالی‌ترین نوع آن راهنمایی کرد و فرمود بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» این پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به آن دارد که شما از فرستادن صلوات درخور مقام والای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ناتوانید پس آن را از خدای عزوجل درخواست کنید» (آلوسی، بی‌تا، ۲۲: ۱۱۲).

۵. الصاوی: این آیه بزرگ‌ترین دلیل است بر این‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مهبط همه رحمت‌ها و برترین اولین و آخرین به صورت مطلق است؛ زیرا درود خدا بر پیامبرش عبارت است از رحمت همراه با تعظیم، و درود خدا بر غیر پیامبر، مطلق رحمت است (بدون همراه بودن با تعظیم) پس به تفاوت این دو صلوات و فرق میان این دو مقام بیانیدش، از این‌رو، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منبع همه رحمت‌ها و تجلیات می‌باشد (صابونی، بی‌تا، ۳: ۵۳۶؛ نیز رک: شوکانی، بی‌تا، ۴: ۳۰۰) (خداوند منبع اصلی همه رحمت‌ها و تجلیات، و پیامبر منبع ظلی همه رحمت‌ها و تجلیات است).

اشتراک آل با پیامبر در تکریم و تعظیم ویژه الهی

اگر چه در آیه شریفه، صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مطرح شده است، ولی روایات نبوی که مبین و مفسر آیه شریفه‌اند، بیان‌گر این مطلب‌اند که آل

پیامبر نیز در این شرافت و منقبت ویژه الهی با رسول خدا ﷺ اشتراک دارند؛ زیرا بر اساس این روایات، هنگامی که از پیامبر اکرم ﷺ درباره کیفیت صلوات بر آن حضرت سؤال شد، پیامبر ﷺ پاسخ داد در فرستادن صلوات بر من بگویید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد، کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم إناک حمید مجید» (بخاری، بی تا، ۳: ۱۷۸؛ مسلم بن حجاج، بی تا، ۱: ۳۰۵؛ ترمذی، ۴۲۱ق، ۴: ۲۰۵؛ نسائی، ۴۲۲ق، ۲۲۰؛ ابو داود، ۴۲۲ق، ۱۶۳؛ حر عاملی، ۱۳۹۸ق، ۴: ۱۲۱۳-۱۲۱۴). از این کلام پیامبر ﷺ به دست می آید که آل محمد ﷺ در صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ که در آیه شریفه صلوات مطرح شده، اشتراک دارند و آنان نیز همچون پیامبر ﷺ مشمول تکریم و تعظیم ویژه خدا و فرشتگان الهی اند، یعنی در مقام ثبوت و نفس الامر (در عالم تکوین و تشریع الهی) آل پیامبر همچون پیامبر اکرم، مشمول صلوات و رحمت ویژه الهی می باشند، ولی در مقام اثبات و ابلاغ، این مطلب در دو مرحله بیان شده است، در مرحله اول، شمول صلوات و رحمت ویژه خداوند نسبت به پیامبر اکرم ﷺ که از طریق وحی قرآنی ابلاغ شده است، و در مرحله دوم، شمول صلوات و رحمت ویژه خداوند نسبت به آل پیامبر که از طریق وحی غیر قرآنی ابلاغ شده است.

شاید حکمت این ترتیب (تقدیم و تأخیر) اشعار به برتری مقام و منزلت پیامبر اکرم ﷺ حتی بر آل آن حضرت بوده است، یعنی اگرچه آل پیامبر ﷺ در شایستگی شمول صلوات و رحمت ویژه خداوند با رسول اکرم ﷺ اشتراک دارند، ولی پیامبر اکرم ﷺ در ملاک مزبور از درجه و رتبه بالاتری برخوردار است. مانند این که چند نفر از نظر مقام علمی یا عملی بر دیگران برترند و ممتاز شناخته می شوند با این حال در میان آنان نیز تفاضل و تفاوت در ملاک امتیاز بر دیگران وجود دارد، چنان که این مطلب در مورد پیامبران الهی نیز صادق است، آنان در عین این که در برتری بر امت های خود، اشتراک دارند، اما برخی از آنان بر برخی دیگر برتری دارد: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ» (اسراء: ۵۵).

ابن حجر مکی درباره این که آل محمد ﷺ در تکریم و تعظیم ویژه الهی نسبت به پیامبر اکرم ﷺ که آیه شریفه صلوات بر آن دلالت دارد، با آن حضرت شریک می باشند گفته است: «این که پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ سؤال از کیفیت فرستادن صلوات بر آن حضرت فرمود بگویید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» دلیل

روشنی است بر این که امر به صلوات بر آل پیامبر در آیه شریفه مقصود بوده است، و صلوات بر آنان جزء مأموریه می باشد، و پیامبر صلی الله علیه و آله آل خود را در مقام خود قرار داده است؛ زیرا مقصود از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله فزونی تعظیم آن حضرت است، و تعظیم آل نیز ناشی از آن می باشد. بدین جهت است که هنگامی که آنان را در کساء جای داد گفت: «اللهم إناهم مني و أنا منهم، فاجعل صلواتك و رحمتك و مغفرتك و رضوانك عليّ و عليهم». خدایا آنان از من و من از آنان هستم، پس صلوات، رحمت، مغفرت و رضوان خود را بر من و بر آنان قرار بده، مقتضای اجابت این دعای پیامبر آن بود که خداوند آنان را در صلوات ویژه خود بر پیامبر، با آن حضرت همراه ساخت، در این هنگام از مؤمنان خواست که همراه با صلوات بر پیامبر، بر آل او هم صلوات بفرستند، و نیز روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود بر من صلوات بتراء (بی دنباله و ناقص) نفرستید، پرسیدند صلوات بتراء کدام است؟ فرمود: این که بگویید: «اللهم صل علی محمد» و توقف کنید، بلکه بگویید: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» (ابن حجر هیتمی، ۴۲۵ق، ۱۸۳-۱۸۴).

افضلیت و عصمت آل پیامبر صلی الله علیه و آله

از آن چه بیان گردید، افضلیت آل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر دیگران (غیر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله) روشن است؛ زیرا در این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر دیگر افراد بشر - حتی پیامبران الهی - برتر است، در میان امت اسلامی اختلافی وجود ندارد، و از آن جا که آل پیامبر در صلوات و رحمت خاص الهی (در مقابل صلوات و رحمت عام که عموم مؤمنان راستین را شامل می شود) با رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشتراک دارند، آنان نیز بر دیگران برتر می باشند. البته، این مطلب با برتری رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر آنان منافات ندارد، چنان که توضیح داده شد.

از سوی دیگر، مهم ترین شاخص کمال انسانی، عصمت علمی و عملی است. علم و تقوا در قرآن کریم از شاخص های مهم کمال و ملاک برتری به شمار آمده است. آدم علیه السلام به دلیل برتری علمی شایسته مقام خلافت الهی در زمین شد، و نیز مسجود فرشتگان قرار گرفت: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۳۱)، و علم ویژه ای که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا شده، فضل عظیم الهی نسبت به آن حضرت به شمار آمده است: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (نساء: ۱۱۳)، و درباره جایگاه رفیع تقوا فرموده است:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)، و عالی‌ترین درجه تقوا - که عبارت است از خویش‌داری در برابر تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی - عصمت عملی است.

عموم پیامبران الهی از عصمت علمی و عملی برخوردار بوده‌اند، و مقام عصمت پیامبر اکرم ﷺ بر همگان برتری داشته است. مذاهب مختلف اسلامی در باره این که پیامبران الهی از مقام عصمت برخوردار بوده‌اند اتفاق نظر دارند، هر چند درباره قلمرو و گستره آن نسبت به قبل از نبوت و صغیر سهوی همداستان نیستند، تنها از حشویه (گروهی از ظاهر گرایان از اهل حدیث) نقل شده که صدور کبایر عمدی از پیامبران را نیز ممکن دانسته‌اند (برای آگاهی از اقوال و آراء متکلمان و مذاهب اسلامی در مسئله عصمت پیامبران ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ۳۳۵-۳۴۱)، اما این عقیده‌شان مورد قبول دیگر مذاهب - حتی وهابیان - نمی‌باشد (ر.ک: بن فوزان، ۱۴۲۰ق، ۱۸۷-۱۹۴).

بر این اساس، آل پیامبر که در صلوات و رحمت ویژه الهی نسبت به رسول اکرم ﷺ با آن حضرت اشتراک دارند، و این اشتراک به دلیل برخوردار بودن آنان از کمال انسانی والایی است که از جنس کمالات پیامبرانه می‌باشد، و به حکم این که عصمت از مهم‌ترین شاخص‌های کمال پیامبرانه است، از ویژگی عصمت علمی و عمل برخوردارند.

عصمت، اگرچه از مهم‌ترین کمالات پیامبرانه است، ولی هیچ دلیل عقلی یا نقلی بر اختصاص آن به پیامبران الهی وجود ندارد. آیه شریفه ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۴۲) بر عصمت حضرت مریم علیها السلام دلالت می‌کند؛ زیرا مفاد آیه شریفه این است که مریم علیها السلام مورد گزینش ویژه الهی قرار گرفته و از هر آلودگی جسمی و روحی تطهیر شده است، و این چیزی جز عصمت نمی‌باشد. عده‌ای از مفسران اسلامی نیز این حقیقت را بازشناخته‌اند. فخر الدین رازی درباره نخستین اصطفا‌ی مریم علیها السلام که در آیه شریفه ذکر شده گفته است: «خداوند او را برای عبادت خویش (از هر کاری) فارغ ساخت و انواع لطف و هدایت و عصمت خود را در این باره شامل او کرد» (فخر الدین رازی، بی‌تا، ۸: ۴۳).

ابن کثیر گفته است: «خداوند مریم را به خاطر کثرت عبادت و زهد و شرافتش برگزید و او را از آلودگی‌ها و وسوسه‌ها پاکیزه ساخت» (ابن کثیر، ۴۱۶ق، ۲: ۳۷).

در تفسیر المنار چنین آمده است: «خداوند به مقتضای سنت فطرت، تعلق مریم به کمال را افزایش داد، چنان که از طریق ارواح پاکیزه‌ای که روح طاهر او را مورد امداد خود قرار داده‌اند روحانیتش را فزونی بخشید. و اصطفاء اول عبارت است از این که برای

خدمت در خانه خدا- که مخصوص مردان بود- برگزیده شد، و تطهیر را برخی به ندیدن خون حیض تفسیر کرده‌اند، و برخی به تماس نداشتن با مردان، ولی استاد (شیخ محمد عبده) آن را بر اعم از آن حمل کرد، یعنی خداوند مریم را از همه قبایح، مانند اخلاق ناپسند و صفات ناروا و غیر آن، پاکیزه نمود، و اصطفاء دوم عبارت است از اختصاص او به خطاب ملائکه و کمال هدایت» (رشید رضا، بی تا، ۳: ۳۰۰).

آلوسی درباره مراد از تطهیر مریم علیها السلام سه قول را نقل کرده است:
الف) زجاج گفته است مقصود، طهارت از قذارت‌هایی است که عارض زنان می‌شود، مانند حیض و نفاس، تا شایسته خدمت در مسجد باشد.

ب) از حسن بصری و ابن جبیر نقل شده که مراد، طهارت از کفر و معصیت است.
ج) گفته شده است مقصود، طهارت از اخلاق و طبایع ناپسند است.
سپس گفته است: «اولی حمل بر عموم است، یعنی خداوند او را قذارت‌های حسی و معنوی، و قلبی و قالبی پاکیزه ساخته است» (آلوسی، بی تا، ۳: ۲۴۶-۲۴۸).

از دیدگاه علامه طباطبائی، اصطفاء مریم به معنای پذیرش او برای عبادت خداوند و تطهیر او به معنای اعتصام او به عصمت الهی است، در نتیجه او مصطفی و معصوم بوده است. از نظر ایشان، مفاد آیه «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲) همان است که در آیه «فَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۷) آمده است؛ زیرا مقصود از «فَقَبَّلَهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» این است که او را برای عبادت در خانه خدا پذیرفت، و مراد از «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» اعطای رشد و پاکی به او و به ذریه او و افاضه حیات پاکیزه به او و به ذریه‌اش می‌باشد، حیاتی که از گزند وسوسه‌ها و تسویل‌های شیطانی مصون است، و این همان طهارت ویژه است» (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ۳: ۱۷۳ و ۱۸۸).

گواه دیگر بر مطلب مزبور (عصمت آل پیامبر)، تشبیه صلوات بر آل پیامبر علیهم السلام به صلوات بر آل ابراهیم علیهم السلام است: «اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم». به نص قرآن کریم، آل ابراهیم علیهم السلام هم‌چون حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام از برگزیدگان خداوند بوده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۳۳).

مقصود از آل ابراهیم- همان گونه که مفسران بیان کرده‌اند- پیامبران یا امامان ابراهیمی‌اند. بیضاوی گفته است: خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را از

طریق رسالت (پیامبری) و خصایص روحانی و جسمانی بر دیگران برتری داد، بدین جهت از توانایی‌هایی برخوردار بودند که دیگران نداشتند. وی در ارتباط این آیه با آیات قبل گفته است: هنگامی که خداوند اطاعت از پیامبران را واجب کرد و بیان نمود که اطاعت از آنان محبت الهی را جلب می‌کند، به دنبال آن، مناقب آنان را بیان کرد و فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۳۳) (بیضاوی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۵۰-۲۵۱).

فخر رازی گفته است: مفاد آیه شریفه بر مبنای کسانی که می‌گویند فرشتگان بر بشر برترند، این است که خداوند آدم را بر ساکنان عالم سفلی برگزید، و بر مبنای کسانی که معتقدند بر فرشتگان برتر است این است که خداوند آدم علیه السلام را بر ساکنان عالم علوی برگزید، آن‌گاه خداوند قوه روحانی را در شعبه‌ای معین از فرزندان آدم علیه السلام قرار داد که عبارتند از شیت و فرزندان او تا ادریس، سپس در نوح تا ابراهیم، آن‌گاه از ابراهیم علیه السلام دو شعبه پدید آمد: اسماعیل و اسحاق؛ اسماعیل را مبدء ظهور روح قدسی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسحاق را مبدء دو شعبه یعنی یعقوب و عیصو قرار داد، و این امر تا زمان محمد صلی الله علیه و آله و سلم ادامه یافت. با ظهور آن حضرت، نور پیامبری و فرمانروایی به او منتقل شد و تا قیامت در پیروان (آل) او باقی خواهد بود (فخر الدین رازی، بی‌تا، ۷: ۲۲؛ نیز ر.ک: رشید رضا، بی‌تا، ۳: ۲۸۸-۲۸۹؛ صابونی، بی‌تا، ۱: ۱۹۸؛ آلوسی، بی‌تا، ۳: ۲۱۰-۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۳: ۱۶۴-۱۶۸، مراغی، بی‌تا، ۳: ۱۴۲-۱۴۴؛ بروسوی، بی‌تا، ۲: ۲۴-۲۵).

امین الاسلام طبرسی گفته است: «کسانی که خداوند آنان را برگزیده است، مطهر و معصوم و پیراسته از قبايح می‌باشند؛ زیرا خدای متعال جز چنین کسانی را بر نمی‌گزیند؛ کسانی که ظاهر و باطنشان در طهارت و عصمت، یکسان است، بنابراین اصطفاء، به معصوم از آل ابراهیم و آل عمران اختصاص دارد، خواه پیامبر بوده باشند یا امام (طبرسی، ۱۳۷۹، ۱: ۴۳۳).

بر این اساس، مقصود از آل ابراهیم علیه السلام معصومان از خاندان او می‌باشند، خواه پیامبر بوده باشند یا امام، و چون صلوات بر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم به صلوات بر آل ابراهیم تشبیه شده است، مقصود از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز معصومان از آل او می‌باشند. از آن‌جا که نبوت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ختم گردیده است، آل برگزیده پیامبر، نبی نیستند، ولی

کمال وجودی و نفسانی آنان از جنس کمال وجودی و نفسانی پیامبران و برگزیدگان الهی است و از ویژگی عصمت برخوردارند.

پاسخ به چند اشکال

اشکال اول: اختصاص آل محمد (علیهم السلام) به ذکر در صلوات دلیل بر افضلیت آنان نیست، بلکه فقط بیان گر فضیلتی برای آنان است. اگر اختصاص ذکر آنان در صلوات دلیل بر افضلیت باشد، تشبیه صلوات بر محمد (علیهم السلام) و آل محمد به صلوات بر ابراهیم (علیه السلام) و آل ابراهیم نیز دلیل بر افضلیت ابراهیم و آل او بر محمد (علیهم السلام) و آل محمد خواهد بود؛ زیرا مقتضای تشبیه افضلیت مشبّه به بر مشبّه است، ولی هیچ کس این لازم را قبول ندارد (اعظمی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۸۵).

پاسخ: از آنچه درباره وجه دلالت روایات صلوات بر افضلیت آل پیامبر (علیهم السلام) بر دیگران بیان کردیم، پاسخ این اشکال روشن است؛ زیرا در این که آیه کریمه صلوات بر مقام و منزلت ویژه پیامبر اکرم (علیهم السلام) نزد خداوند دلالت می کند، تردیدی وجود ندارد، و از طرفی، به مقتضای روایات صلوات، آل پیامبر (علیهم السلام) در ملاک تکریم و تعظیم ویژه الهی نسبت به پیامبر اکرم (علیهم السلام) شریک می باشند، بنابراین آنان نیز بر دیگران برتر می باشند.

اما این سخن که مقتضای تشبیه، افضلیت مشبّه به بر مشبّه است، مدعایی است که هیچ دلیل عرفی یا شرعی ندارد. ملاک صحت تشبیه آن است که وجه شبه در مشبّه به نزد مخاطب روشن و آشکار است، و متکلم می خواهد مطلبی را که مخاطب نمی داند از طریق تشبیه به او بفهماند، خواه وجه شبه در مشبّه به اقوی از مشبّه باشد، یا اضعف از آن و یا مساوی با آن باشد، به عبارت دیگر، آنچه در تشبیه ملاک و مقصود است، برتری وجه شبه در مقام اثبات است، نه در مقام ثبوت. در همه مواردی که معقول به محسوس تشبیه می شود، در مقام ثبوت، وجه شبه در مشبّه به اقوی از مشبّه به است، ولی در مقام اثبات فهم وجه شبه در مشبّه به برای مخاطب روش تر می باشد. از باب مثال برای افهام این مطلب که چگونه خداوند که در هیچ مکان یا زمانی نیست، بر همه مکان ها و زمان ها احاطه دارد، گفته می شود احاطه تدبیری خداوند نسبت به همه اشیاء همانند احاطه تدبیری نفس به همه اعضاء و اجزای بدن است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، در این تمثیل وجه شبه در مشبّه از نظر ثبوتی اقوی از وجه شبه در مشبّه به است، ولی از نظر اثباتی فهم آن در مشبّه به برای غالب انسان ها روشن تر از مشبّه می باشد.

اشکال دوم: درباره این که مقصود از آل پیامبر ﷺ چه کسانی‌اند، چهار قول مطرح شده است: اول این که آل پیامبر کسانی‌اند که صدقه بر آنان حرام شده است، دوم این که مقصود ذریه و ازواج پیامبرند، سوم این که عموم پیروان پیامبرند، و چهارم این که پرهیزکاران از امت او مقصودند (ابن القیم، بی تا، ۲۳۶-۲۳۹). اصح اقوال همان قول اول است زیرا این معنا در احادیث وارد شده است، و زیدبن ارقم نیز در پاسخ این که مقصود از اهل بیت پیامبر در حدیث غدیر چه کسانی‌اند (مقصود حدیث ثقلین است که در خطبه غدیر وارد شده است)؟ گفت: مقصود کسانی‌اند که صدقه بر آنان حرام شده است، که عبارتند از آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس (مسلم بن حجاج، بی تا، ۴: ۱۸۷۳، ح ۲۴۰۸)، بنابراین همه آنان آل پیامبرند و آنان کسانی‌اند که ما بر آنان صلوات می‌فرستیم و به آل علی ﷺ اختصاص ندارد (اعظمی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۸۳).

پاسخ: دلیلی از روایات بر این که مقصود از آل در صلوات، عموم کسانی‌اند که صدقه بر آنان حرام شده است، وجود ندارد، چنان که بر این که مقصود از اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ در حدیث ثقلین نیز عموم کسانی‌اند که صدقه بر آنان حرام شده، در دست نیست، و آنچه زیدبن ارقم گفته، رأی و اجتهاد او است، نه نقل کلام پیامبر اکرم ﷺ. لذا بر مجتهدان دیگر حجت نیست. و از توضیحات پیشین به دست آمد که آل پیامبر ﷺ که در صلوات با آن حضرت اشتراک دارند، از ویژگی عصمت برخوردارند، و شامل عموم خویشاوندان پیامبر ﷺ نمی‌باشند. مصداق آن که از ویژگی عصمت برخوردار بودند- در زمان پیامبر- اصحاب کساء می‌باشند.

اشکال سوم: در برخی از روایات صلوات، به جای آل محمد ﷺ ازواج و ذریه پیامبر ﷺ آمده است: «اللهم صلّ علی محمد و علی أزواجه و ذریته، کما صلیت علی آل إبراهیم، و بارک علی محمد و علی أزواجه و ذریته کما بارکت علی آل إبراهیم إنک حمید مجید» (مسلم بن حجاج، بی تا، ۱: ۳۰۶). این روایت استدلال شیعه را به حدیث کساء که پیامبر ﷺ در حالی که به علی، فاطمه، حسن و حسین: اشاره نمود فرمود: «اللهم هؤلاء أهل بیتی» بر این که مقصود از آل پیامبر که در صلوات با پیامبر ﷺ اشتراک دارند، اهل کساء می‌باشد، باطل می‌سازد؛ زیرا در این روایت ذریه و ازواج ذکر شده‌اند، نه آل. ولی این دو روایت باهم ناسازگار نیستند؛ زیرا در هر یک بعضی از مصداقی و افراد عام ذکر شده است، لذا بهتر این است که به مدلول عام عمل شود (در صلوات، علاوه بر آل، ذریه و ازواج هم ذکر شود) (اعظمی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۸۴).

پاسخ: روایاتی که در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت درباره کیفیت صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده سه دسته‌اند: دسته اول روایاتی است که در آن‌ها فقط صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل پیامبر آمده است. اکثریت قریب به اتفاق روایات این گونه‌اند. چنان‌که از هشت روایتی که ابن کثیر در تفسیر آیه صلوات (احزاب: ۵۶) نقل کرده، هفت روایت این چنین است (ابن کثیر، ۴۱۶ق، ۵: ۴۹۵-۵۰۰)، و همه روایاتی که طبری در تفسیر آیه مزبور نقل کرده این گونه‌اند (طبری، ۴۲۱ق، ۲۲: ۵۲-۵۳). اکثر روایاتی که سیوطی در «الدر المنثور» در این باره نقل کرده (۱۴ روایت) نیز از این دسته می‌باشند (سیوطی، ۴۲۱ق، ۶: ۵۷۰-۲۷۵). دسته دوم روایت ابی حمید ساعدی است که فقط صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و ازواج و ذریه پیامبر در آن نقل شده است. دسته سوم چند روایت (۲ یا ۳ روایت) است که در آن‌ها صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله همراه با صلوات بر اهل بیت، ازواج و ذریه آن حضرت ذکر شده است (همان، ۵۷۱-۵۷۲).

از کثرت روایات دسته اول به دست می‌آید که صلوات بر آل پیامبر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که قابل مقایسه با صلوات بر ازواج و ذریه نمی‌باشد. بدین جهت است که شوکانی گفته است: «همه تعلیماتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره صلوات نقل شده، مشتمل بر صلوات بر آل پیامبر است، مگر روایاتی اندک و ناچیز، لذا سزاوار است که کسی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می‌فرستد، صلوات بر آل را هم ضمیمه کند» (شوکانی، بی‌تا، ۴: ۳۰۳).

در هر حال، آنچه ناقد المراجعات به عنوان جمع میان روایات گفته است، نقد بر جناب شرف الدین نخواهد بود؛ زیرا در روایات شیعه درباره کیفیت صلوات فقط صلوات بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله همراه با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است که با روایات دسته اول اهل سنت (اکثر روایات) هماهنگ است. بر این اساس، دیدگاهی که شرف الدین مطرح کرده، مورد توافق فریقین است، ولی صلوات بر ازواج و ذریه که در برخی از روایات اهل سنت آمده، مورد توافق فریقین نیست. بدیهی است در بحث‌های بین المذهبی، اقوال اختصاصی یک مذهب پذیرفته نخواهد بود.

اکنون اگر بخواهیم به مدلول روایات دسته دوم نیز معتقد شویم می‌توان آن‌ها را بر صلوات عامه که شامل عموم مؤمنان می‌باشد و در آیه کریمه ﴿هُوَ الَّذِي يَصْلِي عَلَيْكُمْ وَمَلَايَكْتَهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ (الأحزاب: ۴۳) بیان شده است، حمل کرد. صلوات عامه هم پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می‌شود و هم ازواج و

هم سایر مؤمنان را، ولی صلوات خاصه که در آیه ۵۶ احزاب و احادیث صلوات بر آل وارد شده، فقط شامل پیامبر ﷺ و آل او می‌شود، و ازواج پیامبر و سایر مؤمنان را شامل نمی‌شود.

نتیجه

از آیه شریفه صلوات (احزاب: ۵۶) و احادیث بسیاری که در منابع حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت درباره آن روایت شده است، به روشنی به دست می‌آید که آل محمد ﷺ که نزدیک‌ترین خاندان پیامبر ﷺ به آن حضرت بودند، از ویژگی عصمت برخوردار بوده‌اند، و بر دیگران برتری داشته‌اند. آنان همان کسانی‌اند که در آیه تطهیر، حدیث ثقلین و حدیث سفینه و مانند آن، با دو ویژگی مزبور معرفی شده‌اند. آنان همان کسانی‌اند که در آیه تطهیر، حدیث ثقلین و حدیث سفینه و مانند آن، با دو ویژگی مزبور معرفی شده‌اند. و از آن‌جا که عصمت و افضلیت از شرایط مهم امامت است، آیه و روایات صلوات، همچون آیات و روایات دیگری که اشاره شد، بر امامت اهل بیت معصوم پیامبر ﷺ دلالت می‌کند.

فهرست منابع

1. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغة**، 1412ق، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار السیاقه للعلم.
2. ابن صباغ، علی بن محمد مالکی، **بی‌تا، الفصول المهمة فی معرفة أحوال الأئمة**، تهرآن، مؤسسة الأعلمی.
3. ابن حجر هیتمی، احمد، 1425ق، **الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع و الزندقة**، بیروت، المكتبة العصرية.
4. ابن حنبل، احمد بن محمد، 1416ق، **المسند**، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دار الحديث.
5. ابن طلحه شافعی، کمال الدین محمد، 1419ق، **مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول**، تحقیق سید عبدالعزیز الطباطبائی، بیروت، مؤسسة البلاغ.
6. ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، 1416ق، **تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن الکریم)**، بیروت، دارالأندلس.
7. ابن قیم الجوزیة، محمد بن ابی‌بکر، بی‌تا، **جلاء الأفهام فی فضل الصلاة و السلام علی خیر الأنام**، تحقیق زائد بن أحمد النشیری، جدّه، دار عالم الفوائد.
8. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، 1414ق، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.
9. ابو داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، 1422ق، **سنن ابی داود**، تحقیق محمد عبدالعزیز الخالدي، بیروت، دارالکتب العلمیة.
10. ابو هلال عسکری، حسن بن عبد الله، 1433ق، **معجم الفروق اللغویة**، تحقیق مؤسسة النشر الإسلامی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
11. اعظمی، ابومریم، 1425ق، **الحجج الدامغات لنقد کتاب المراجعات**، صنعاء، دار الصدیق.
12. آلوسی، سید محمود، بی‌تا، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، تحقیق محمد حسین العرب، بیروت، دارالفکر.
13. بحرانی، سید هاشم، 1422ق، **غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص و العام**، تحقیق السید علی عاشور، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.

14. بخاری، محمد بن اسماعیل، بی‌تا، **صحیح البخاری بحاشیه السندی**، بیروت، دار المعرفة.
15. بروسوی، اسماعیل حقّی، بی‌تا، **تفسیر روح البیان**، دار الفکر، بیروت.
16. بن فوزان، صالح، 1420ق، **الارشاد إلى صحیح الاعتقاد**، عربستان، دار ابن الجوزی.
17. بیضاوی، ناصر الدین عبدالله بن ابی‌القاسم، 1410ق، **تفسیر البیضاوی (أنوار التنزیل و أسرار التأویل)**، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
18. ترمذی، محمد بن عیسی، 1421ق، **سنن الترمذی (الجامع المحیج)**، تحقیق محمود محمد محمود حسن نصّار، بیروت، دار الکتب العلمیة.
19. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، 1422ق، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
20. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، 1398ق، **وسائل الشیعة**، تهران، المكتبة الإسلامية.
21. خطیب بغدادی، احمد بن علی، بی‌تا، **تاریخ بغداد**، بیروت، دارالکتب العربی.
22. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، بی‌تا، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق محمد سیّد کیلانی، تهران، المكتبة المرتضویة.
23. ربانی گلپایگانی، علی، 1386ش، **امامت در بینش اسلامی**، قم، بوستان کتاب.
24. ربانی گلپایگانی، علی، 1392ش، **ایضاح المراد فی شرح کشف المراد**، قم، انتشارات راند.
25. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۰ش، **امامت در بینش اسلامی**، قم، موسسه بوستان کتاب.
26. رشید رضا، محمد، بی‌تا، **تفسیر المنار (تفسیر القرآن الکریم)**، بیروت، دار المعرفة.
27. زمخشری، محمود بن عمر، 1366ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، بیروت، دار الکتب العربی.
28. سمهودی، علی بن عبدالله الحسنی، 1407ق، **جواهر العقیدین فی فضل الشرفین**، دراسة و تحقیق موسی بنای العلیل، بغداد، مطبعة العانی، بغداد.
29. سیوطی، جلال الدین، 1421ق، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

30. شبلنجي، شيخ مؤمن، بى‌تا، **نور الأبصار فى مناقب آل بيت النبي المختار ﷺ**، قم، منشورات الشريف الرضى.
31. شوکانى، محمد بن على، بى‌تا، **فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير**، بيروت، دار الأرقم بن ابى الأرقم.
32. شيخ مفيد، محمد بن نعمان، 1413ق، **الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد**، تحقيق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، كنگره جهانى شيخ مفيد.
33. صابونى، محمد على، بى‌تا، **صفوة التفسير**، بيروت، دار الفكر.
34. طباطبائى، سيد محمد حسين، 1393ق، **الميزان فى تفسير القرآن**، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
35. طبرى، محب الدين، 1418ق، **الرياض النضرة فى مناقب العشرة**، تحقيق عبدالمجيد طعمه حلبى، بيروت، دار المعرفة.
36. طبرى، محمد بن جرير، 1421ق، **تفسير الطبرى (جامع البيان عن تأويل آى القرآن)**، تحقيق محمود شاكز، بيروت، دار احياء التراث العربى.
37. طحاوى، ابوجعفر، 1333ق، **مشكل الآثار**، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة فى الهند بمحروسة حيدر آباد الدكن، بيروت، دار صادر.
38. امينى، عبدالحسين، 1416ق، **الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب**، قم، مركز الغدير للدراسات الإسلامية.
39. عبدالعزيز، حافظ محمد، بى‌تا، **النبراس شرح لشرح العقائد النسفية**، بى‌جا، مكتبة حقانية و مكتبة إمدادية.
40. فخر الدين رازى، محمد بن عمر، **التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)**، بى‌تا، بيروت، دار احياء التراث العربى.
41. فضل بن الحسن، طبرسى، 1379ق، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربى.
42. فيومى، احمد بن محمد الفيومى، 1347ق، **المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى**، تصحيح محمد محيى الدين عبد الحميد، بى‌جا، بى‌نا.
43. قندوزى، شيخ سليمان، 1418ق، **ينابيع المودة**، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.

44. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، 1432ق، **معجم القاموس المحيط**، تحقیق خلیل مأمون شیخا، بیروت، دارالمعرفة.
45. مراغی، احمد مصطفی، بیتا، **تفسیر المراغی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
46. مسلم بن حجاج، ابوالحسین، بیتا، **صحیح مسلم**، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
47. نباطی بیاضی، علی بن یونس عاملی، 1348ق، **الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم**، تهران، المكتبة المرتضوية.
48. نسائی، احمد بن شعيب خراسانی، **سنن النسائی**، 1422ق، تحقیق احمد شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة.
49. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، 1361، **اسباب النزول**، قم، انتشارات الرضی.

